

☆ ڈاکٹر زبیدہ جان

شخصیت شاہِ ہمدانؒ

در آئینہ مکتوبات

این تعجب نیست کہ دربارهٔ حیات و آثار شاہِ ہمدانؒ کتابہائی متعدد برشتہ تحریر آدرده اند بلکہ اعجاب اینست کہ شاہِ ہمدانؒ قبل از تقریباً شصت سال آفت در در شعر و نثر نوشتہ است کہ خورد در ورطہ حیرت می افتد۔ مسلمہ این نیست کہ از ہلک گوہر بار ایشان چند تا کتب بوجود آیدہ اند بلکہ قابل توجہ اینست کہ پایہ و منزلت تصانیف و آثار ایشان از دیدہ موضوع و سبک چہ قدر بلند و پرازرش است! شخصیت متعدد حضرت میرسید علی ہمدانیؒ متقاضی است کہ نگارندہ دربارهٔ زرفہا و رموزِ علوم متنوع اطلاع فراوانی داشته باشد۔ مطالعہ آثار حضرت موصوف کار بس صعب است۔ ایشان بنا بر اسلام علوم سیاست و معاشرت اقتصاد و انتظام را از برداشتند نہ تنہا این بلکہ وی از زبانہای عربی و فارسی کاملاً بہرہ مند بود۔ امری کہ بالمتوجہ باید شد انیست این نابغہ روزگار نہ فقط در کتب خانہ یا کنج خانہ با اہتمام و استغراق در کار نوشتن و خواندن مشغول می بود بلکہ بوسیلہ تبلیغ و ترسیل در ظلمت کہہ های متعدد چیرگان بہم رسانید۔ چون قبلاً عرض نمودم کہ سیاست و معاشرت میشت و حرقت بجملاً دین و دنیا و اصلاح و

درستگی اینها همیشه مورد التفات این مصلح کامل میماند. دکتر اقبال لاهوری که اصلاً کشمیری النسل هست، راجع به کمالات و احسانات و اهداف میرسید علی همگانی اینطور را بنهائی می کند

سید السادات سالار عجم

دست او معمار ترقی دیر المم

تا غزالی ذکر الله هو گرفت
ذکر و فکر از دودمانش او گرفت

خط را آن شاه دریا آستین

داد علم و صنعت و تهذیب و دین

میخواهم که بمتکی طولانی را برکنار گذاشته منظور و مقصودم را سپرد خامه بکنم، با کمال احساس و احتیاط طالب التفات لطیف شما هستم که نامه های شاه همدان از لحاظ مقصود و اسلوب از قواعد نامه نویسی عمومی جداگانه است. بالعموم می بنسیم که نویسنده مخاطب را مخصوص می کند و این انتخاب مبتنی بر روابط شخصی و ذاتی است. نویسنده در این نوع نامه با عموداً در باره امور مسایل شخصی می نویسد البتّه وقتیکه بر نامه های شاه همدان نگاه می افکنیم مای بنسیم که در این نامه ها حضرت موصوف به انسان مخاطب است. ویژگی دیگر این نامه با اینست که منبع نور و ضیا که از آیت مکتوب این مصلح کامل و خواستار آدمیت شاعر فشان است در قرآن و تعلیمات نبوی سرچشمه دارد. چون انسان تخلیق احسن و اکمل از صناعت ربانی است و مخلوقات دیگر کاینجا چه آسمانها و زمینها چه انجمنهای عشوه گرد مهر و خورشید ضیا یا ز چه کوه های فلک بوس دریا های پر شور و پر غرور چه پرند و چیرند چه کسان نه تنها اینها

بلکه نعمت‌های متعدد بهشت حتی سحر و غلمان برای انسان کامل و مطیع ربانی مسخر و مطیع و منتظر است. در مکتوب شاه همراهِ سربایه ترغیب و تشویق برای تهذیب و تعمیر انسان که همه صنایع ربانی را مسخر بتواند کرد بدست می‌رسد حضرت میرسید علی همراهِ در مکتوب خود برای تشویق و ترغیب انسان کامل از این ارشاد ربانی چراغ هدایت را روشن می‌کند:

﴿۹﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿۱۰﴾ يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الشَّجَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۱۱﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۱۲﴾ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَكَّرُونَ ﴿۱۳﴾ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۴﴾ وَالْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسًا أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۵﴾ وَعَلَّمَتِ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴿۱۶﴾ أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۱۷﴾ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۸﴾

— (سُورَةُ النَّحْلِ) —

ترجمه :-

اوست خدائی که آب را از آسمان فرو فرستاده که از آن بیاشامید
 و درختان (پرورش دهید تا از میوه آن بهره مند شوید و به
 برگ آن) حیوانات خود را بچرانید (۱۰). و هم زراعت‌های شما را
 از آن آب باران برویاند و درختان زیتون و خرما و انگور و از
 هرگونه میوه بپرورد در این کار آیت و نشانه قدرت الهی
 برای اهل نجر پدیدار است (۱۱) و هم شب و روز و خورشید و
 ماه را برای زندگانی شما در گردون مسخر ساخت و ستارگان آسمان
 را بفرمان خویش مسخر کرد در این کار آیت و نشانه‌های قدرت
 خدا برای اهل نجر پدیدار است. (۱۲) و در زمین آنچه را برای
 شما آفرید با انواع گوناگون و اشکال رنگارنگ در آورد در این
 کار هم آیت و نشانه اهمیت بر مردم هشیار پدیدار است (۱۳)
 هم او خدائیت که دریا را برای شما مسخر کرد تا از گوشت (ماهیان
 حلال) آن تغذیه کنید و از زیورهای آن استخراج کرده و تن را
 بسیار تید و کشتی‌ها در آن برانید تا از فضل خدا روزی طلبید
 باشد که شکر خدا بجای آرید (۱۴) و نیز کوه‌های بزرگ را در زمین
 بنهاد تا از حیوانی و اضطراب برهید و نهرها جاری کرد و راهها
 پدیدار ساخت تا مگر هدایت شوید (۱۵) و نشانه‌های زمین
 و ستارگان آسمان را مقرر داشت تا با آنها هدایت یابید (۱۶)
 آیا خدائی که خلق کرده مانند آنکس است که خلق نکرده آیات مذکور

دهشتیاری نمی شنوید (۱۷) اگر بخواهید که نعمتهای بیحد و حصر خدا را شماره کنید
کنید هرگز نتوانید که خدا بسیار غفور و مهربانست (۱۸) و خدا هر چه
را پنهان داشته کار دارید بجهت آگاهست (۱۹) — (سورة النحل)

بعضی از مکتوبات شاه بهمان لبطر زانت آسبه نوشته شده است اینوع نامه با زیر عناوین
مختلف مثلاً توبه امر بالمعروف ناپایداری جهان بیوفائی زندگانی طلب علم عشق و محبت
حقیقی استقامت تزکیه باطن تنزیه به قلب رضا جوئی اطاعت و بندگی و غیره و غیره
نوشته شده است. در اینگونه مکتوب ترغیب به تربیب نیست بلکه ترغیب به
تفوق و تفکر است. در این مکتوب حضرت محبوب ربانی مخاطب بر همه آدمهای خوش
بخت است. اگر بنظر دقیق و با درک عمیق اینوع مکتوب آنحضرت را مطالعه بکنیم این
حقیقت جلوه گرمی شود که حضرت موصوف برائے فلاح و کامرانی انسان مثل شمع سوزان
است. وی در این قسمت مکتوب منظور خودش را به زبان شکر هم ابراز کرد. مثلاً در نامه
ای که زیر عنوان "در بیان اقسام عالم" است اینطور با در اشعار مرصع کار می کند
دانی که چرخ اهل صفا خاموشند در لفظ دل بمخو خود می گویند
می از کف دست هرفس می نوشند سری بازند و سرتخی می پوشند
در نامه ای که بنام "در تلاش علم" موجود است حضرت امیر کبیر تو صیقل علم نافع و سود
بخش می کند و برای تحصیل علم برای رحمت کشی ترغیب می دهد. بزبان شعر اینطور
مخاطب است

چو علمت هست با علمت عقل کن پس از علم و عمل اسرار حل کن
ز علم دنیوی بهترین خبر دار ترا با علم دین یک ذره کردار

تا برده لریخ گنج میسر نمی شود فرد آن گرفت جان برادر که کار کرد
 همینطور در "در بیان عشق و محبت" که عنوان یک نامه امیر کبیر است می سرایدید
 درد عشق آمد دوامی هر دلی حل نشد بی عشق هرگز مشکلی

موتی که ز عشق است نه موت است حیات است
 مَنْ مَاتَ مِنَ الْعُشْقِ فَقَدْ مَاتَ شَهِيداً

شاه همدان چند تا نامه به فرمانروایان و سلاطین ارسال فرمود - در این نوع
 مکتوب هم همین انسان و همین انسانیت مورد نظر داشت - او در این نوع نامه با این
 حقیقت را متشرح و مبیین می کند که اختیار کل در دست باری تعالی موجود است انسان
 فقط در این آزمایش گاه برای انجام دادن احکامات و ارشادات ربانی مامور شده
 است - این گونه مخاطب هم در کسرات اساس و بنیان دارد -

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَتَيْكُمْ أَحْسَنُ
 عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ — (سورة الملك)

شاه همدان باین هدف به فرمانروایان می نویسد تا آنها با رعیت
 عدل و انصاف ملاحظت و مودت و محبت و رافت بر ورزند - در این نامه با حضرت
 امیر کبیر تاکید می کند که حکمرانان را باید یاد گرفت که این جهان سست نهاد است
 لهذا آنها را نباید که بر رعیت خود نظلم کنند - وی در یک نامه که به جانب سلطان
 غیاث الدین فرستاد بنا بر آیت قرآنی دین موزون بصورت نشر روان این
 اشعار هم نوشت که از لحاظ فکر و اسلوب در عمقهای روح جامی یابند
 خاک شد آن کس که درین خاک زیست خفته چه داند که در این خاک چیست

هر در قی چهره آزاده ایست

هر قدمی فرق فلک تراده ایست

صحیح گیتی که تمنا کند

با که وفا کرد که با ما کند

همین طور در یک نامه ای که به نام سلطان قطب الدین فرستاد در پیرایه شعر
شمع هدایت می سپارد

ز هر بدی که تو دانی هزار چند انم

کسی چه داند بد زمن که من دانم

یا

گر بر همین حال من بیند بر اندازد دم

ز آنکه چون من بد کنش را پیش بت هم یار نیست . از آن اکابر که شاه

همدان یوسیله خط و کتابت مخاطب شد عبارات است از سلطان علاء الدین

مولانا نور الدین جعفر میرزا کاسطان قطب الدین مولانا محمد خوارزمی شیخ محمد خان

حضرت امیر کبیر در این نامه مذکور آیات قرآنی احادیث نبوی و بسا اوقات منقوله

های عزلی هم بکار برده است . زیباترین و اسلوب این نامه با خیلی خوب دل نشین

است . در این نامه با دوام پیام وجود دارد . امروز که انسان در پنجه آهنین ماده

تلاش و زلزلون بنظر می آید اگر دو آینه بے داغ و شفاف مکتوب شاه همدان

را مشاهده بکنند لاجرم در دلش آرزوی زندگی شفاف شایسته پیدا خواهد

شد .